

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

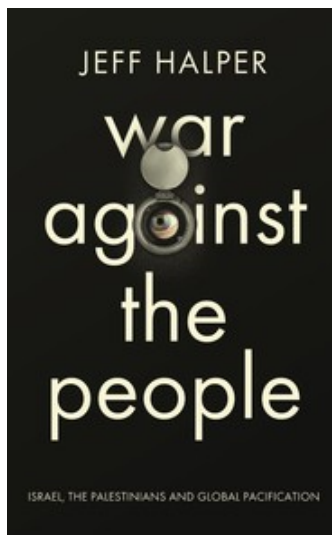
نویسنده: جونتان کوک *
برگرداننده: حمید بهشتی
۲۸ سپتمبر ۲۰۱۵

در جنگ بی پایان علیه ترور ما همگی محکوم به فلسطینی شدن هستیم



جک هالپر

کتاب جدید هالپر با این ادعا که اکنون اسرائیل به جهت نیروهای نظامی و پولیس تبدیل به کشوری جهت دهنده در جهان گشته است وضعیت صنایع تسلیحاتی این کشور را روشن می سازد.
جف هالپر از ۱۸ سال پیش در جبهه مقدم درگیری میان اسرائیل و فلسطینیان بوده و به بازسازی مسکن فلسطینیان که توسط اسرائیل ویران گشته اند، کمک می نماید. از آنجائی که وی قصد استعفاء از ریاست کمیته مخالفت با ویرانی مسکن (ICHAD) را دارد، اکنون اقدام به انتشار کتاب تازه ای نموده است.



مهم ترین نتیجه گیری هالپر نگران کننده است: اسرائیل در حال جهانی کردن فلسطین می باشد. کار عظیم تحقیقاتی این پرفسور انسانشناسی وی را مجبور ساخته است به چنان برداشتی دست یابد که نمی تواند با آن کنار آید و آن صنایع جهانی شده جنگ افزار است. هالپر مدعیست که اسرائیل دارای دسترسی به نظام های تغییر دهنده مالی و دیپلماتیکی می باشد که در مناطق اشغالی ایجاد نموده و دانش مربوطه را به نخبگان جهان که فعالانه می کوشند از منافع خویش در قبال رقبای خارجی و داخلی دفاع نمایند، منتقل می نماید. در جهانی که گفته می شود در جنگی بی پایان با ترور مشغول است ما همگی می توانیم دارای آینده ای نظیر آینده فلسطینیان باشیم. کتاب هالپر تحت عنوان جنگ علیه مردم «War against the people» که در ماه آینده انتشار خواهد یافت بر این برداشت بنا شده است که توجه به اسرائیل نگاهی بی مانند را به تحولات اخیر به دست می دهد که آن را هالپر «هدایت جنگ توسط تکنیک امینتی» می نامد. دومین نظریه این کتاب بدین صورت حاصل گشت که وی کوشید دریابد چرا اسرائیل به این کوچکی راه هائی را باز می کند که فراتر از وزنه سیاسی- نظامی آن کشور است. اسرائیل از کجا این قدرت را دارد که نه فقط در امریکا و اروپا بلکه شگفت آور این که در کشورهای متفاوتی مانند هندوستان، برزیل و چین نیز برای خود راه باز کند؟ هیچ یک از توضیحات معمول، نظیر تقصیر یا گناه هولوکاست، قدرت لابی ها و حتا بنیادگرایی رشد یابنده مسیحی نیز گوئی قادر به توضیح کافی نیستند.

برقراری صلح جهانی

زیو مائوس که پرفسور علوم سیاسی در کالیفرنیا می باشد به هالپر راه دیگری را نشان داده است. وی متوجه شده بود که یکی از پرنسپ های راهنمای جنبش صهیونیستی بر این مبنی بوده است که خود را بر یک قدرت مسلط، از راه خدمت بدان متصل نماید. صهیونیست ها خیلی زود به این روش متوسل گشتند، با کمک به انگلیسی ها در فلسطین. پس از تأسیس اسرائیل این کشور در ۱۹۵۶ به فرانسه و انگلستان در بحران کانال سوئز یاری نمود و پس از ۱۹۶۷ در دوران جنگ سرد پایگاهی را در خاورمیانه در اختیار امریکا قرار داد. به گفته هالپر نفوذ روزافزون اسرائیل امروزه موفقیت این کشور را در مرکز جهانی صنعت برقراری صلح که از جانب نیروهای نظامی و پولیس و آژانس های امنیتی مربوطه در سراسر جهان مورد مشورت قرار می گیرد منعکس می سازد. به طوری که یکی از مهم ترین تحلیلگران اسرائیل به تازگی گفته است در جهان پس از ۱۱ سپتمبر اسرائیل تبدیل به سلطان امنیت یا سرزمین امنیت گشته است. به گفته هالپر تأمل انگیز این که اسرائیل می کوشد مفید بودن خویش را توسط همکاری های بیشتر سیاسی و دیپلماتیک بیفزاید، علی رغم این که جامعه بین الملل به خاطر قریب به ۵۰ سال اشغالگری از این کشور خشمناک است. اینگونه همکاری که حتا اکثر کشورهای عربی را نیز شامل می شود، غالباً در خفا می ماند. به گفته هالپر اخطار رئیس جمهور اسبق امریکا، دوايت آیزنهاور، بیش از ۵۰ سال پیش مبنی بر خطر رشد هرزه مجموعه نظامی صنعتی را که در پشت نمای ظاهری دموکراسی وجود داشته و در صدد فرصت است، می بایست با شرایط امروزه از نو دریافت.

او پدیدار گشتن مجموعه راکتی را توضیح می دهد: حاکمیت مسلط امریکا و متحدانش در تمامی زمینه ها (از جمله در زمینه امنیت داخلی، مراقبت، پولیس های مخفی و تعقیب جرایم) توسط فعالیت مشترک نظامی آنها. اسرائیل پس از ده ها سال کنترل فلسطینیان تحت اشغال، در تمامی این زمینه ها بی رقیب است. این کشور از مناطق اشغالی مانند آزمایشگاه عظیمی برای ایجاد و آزمایش ایده های جدید، تکنولوژی، تاکتیک و جنگ افزار بهره می برد.

ابرقدرتی نظامی

هنگامی که ما در منزل او در بیت المقدس غربی به ملاقاتش رفتیم، او با احساسات تأکید نمود که قصد او فقط نشان دادن نمائی کلی از به اصطلاح صنایع برقراری صلح است که توسط امریکا در سطح جهان ایجاد گشته است. او مدعیست که روزنامه نگاران، تحلیلگران و دانشگاه رفتگان از اینکار ضروری خودداری کرده اند. آنها همگی ترجیح داده اند در محدوده تخصص خویش بمانند.

هالپر مایل به تحلیل «تصویر بزرگ» می باشد، تصویری که وی در آن نقاط مختلف آن را به هم ربط داده است. این کار او را ناگزیر ساخت از این که به اکتشاف زمینه های جدیدی گام نهد. وی متون کلیدی در باره مطالعات امنیتی را خوانده، آثار پژوهشگران تروریسم را زیر و رو کرد و با جنرال های ارتشی مذاکره نمود.

هالپر بر این تأکید دارد که اسرائیل ۸٪ در آمد سرانه اش را هزینه ارتش می کند و این تقریباً معادل دوبرابر هزینه ایست که امریکا می کند. اسرائیل علی رغم وسعت قلیش دارای نیروی هوائی بزرگتری است از هر یک از کشورهای اروپائی.

در اسرائیل ۴٪ کارخانجات بزرگ جنگ افزار جهان قرار دارند. اسرائیل یکی از ۱۰ تولید کننده بزرگ تسلیحات در دنیا بوده و حتا گاهی مقام چهارم را در این ردیف دارد. فهرست نظامیگری جهانی اسرائیل را در ۲۰۰۷ نظامی ترین کشور جهان شناخته است.

در ماه می اسرائیل به مقام دیگری نیز دست یافت و ابرقدرت تکنولوژی سایبری گشت. زیرا شرکت هایش یک دهم تکنولوژی امنیتی در زمینه کمپیوتر و شبکه ها را به فروش رساندند.

گرانیگاه مزبور در زمینه سیستم های نظامی و جنگ افزار، اسرائیل را در ارتباط با ۱۳۰ کشور جهان قرار داده است، از جمله بسیاری از دیکتاتور هائی که نقض حقوق بشر آنها مشهور است. گزارشات زیادی هست از این که اسرائیل با رژیم های مشکوک نیز معامله می کند.

در ماه جاری سازمان ملل افشاء نمود که اسرائیل یکی از تحریم های اسلحه کشورهای غربی را زیر پا نهاده و اسلحه به سودان جنوبی فروخته است و بدینگونه به آتش جنگ داخلی در آنجا وسعت می دهد. به نظر ناقدان، مشاوران نظامی و مربیان اسرائیلی نیز در سودان جنوبی فعال می باشند.

پایان جنگ های مرسوم

اما استعداد حقیقی اسرائیل به نظر هالپر در استفاده از توجهی تازه به تکنیک امنیتی در اقدامات جنگی است. به نظر او جنگ میان دولت ها تا اندازه زیادی به دوران گذشته تعلق دارد. در نوع جدید اقدامات جنگی جت های F-35 و بمب اتمی کمتر قابل استفاده می باشند. آنچه لازم است توانائی هائی است که اسرائیل پس از یک قرن مبارزه با قیام های فلسطینیان به دست آورده است. اسرائیل کشوری است که بدانجا زمانی سفر می کنند که موضوع تکنیک امنیتی اقدامات جنگی مطرح باشد.

به تشخیص او ضرورت اینگونه اقدامات جنگی به دنبال حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ مورد توجه قرار گرفت. جنگ های مرسوم میان کشورها دارای سه مرحله می باشند: ایجاد آمادگی برای عملیات، حمله فعلی روز و نتیجه گیری.

اما عراق همانند افغانستان دارای فاز چهارمی نیز بود: ضرورت اقدامات تثبیت کننده و ابقاء صلح پس از تعویض رژیم.

به تشخیص هالپر صنعت ایجاد صلح که از ۱۱ سپتمبر رشدی قوی داشته است، در غرب در حال توسعه می باشد. از آنجائی که ارتش، بسیاری از وظایفی را که یک گردان پولیس در مورد وظایف خارجی، از جمله در عراق و افغانستان، بر عهده می گیرد، نیروهای پولیس، پس از بازگشت دائماً ارتشی تر می شوند. پولیس فرگوسن (در ایالت میسوری) دیگر از همزمان خود در ارتش آمریکا در عراق قابل تشخیص نیست.

ما در حال تجربه سعودی هستیم که مرکز ثقل توجه آن، امنیت انسان است. برای اینکار این کشور جنگ بی انتهائی را آغاز نموده و جهان را در وضعیت استثنائی دائم فرو برده است. مرزهای سنتی میان پولیس و ارتش، میان پولیس مخفی و سازمان جاسوسی برون مرزی و یا میان اف بی آی و سیا در حال از بین رفتن می باشند.

پولیس های جنگی

برای نخبگانی که خطر را در هر گوشه و کنار در کمین خود می یابند اسرائیل پاسخ آماده ای دارد: «پولیس جنگی». ده ها سال است اسرائیل با نیروهای شبه نظامی عمل می کند مانند پولیس مرزی و نیز سازمان های جاسوسی مانند شین بت که حدود مسؤلیت آنها با تفاوت گذاشتن میان اسرائیل و مناطق اشغال شده فلسطین محدود نمی گردند. نتیجه گیری نهائی هالپر این است که اسرائیل این مدل را مدت ها پیش از همکاری میان ارتش و پولیس به وجود آورده است و اکنون آماده آن است که آن را به جهان آموزش دهد.

بر جهات مذکور در هفته اخیر تأکید گشت، زمانی که دولت اسرائیل اعلام نمود که یک افسر مجرب ارتش این کشور به نام گال هیرش اکنون به ریاست نیروهای پولیس ملی اسرائیل منصوب گشته است.

باید دانست که اهمیت این مطلب در چیست. آیا آمریکا و اروپا نمی کوشند از خود در مقابله با خطر واقعی ترور دفاع نمایند؟ هالپر فکر می کند که این فرایند را باید در چارچوب گسترده نظام جهانی سرمایه داری تحلیل نمود.

به نظر او این امر، اتفاقی نیست که آمریکا درست زمانی بر خطر جهانی ترور تأکید می نماید که ثروت و قدرت، فرامرزی گشته اند و جزایری منزوی از منافع نخبگان را به وجود آورده اند که از بخش هائی از آمریکا و اروپا گرفته تا به سنگاپور و جزایر ویرجین می رسند.

به استدلال او شرکت های فراملیتی نیاز به کریدورهای امنی برای جریان سرمایه و کار خود دارند. در حالی که مابقی جهان به سرزمین های خشک و مخروبه های کنار شهرها تبدیل می شوند.

دلواپسی آنها از این است که چگونه می توان نظام اجتماعی لازم برای برپا ماندن نظام سرمایه داری را برقرار نگاهداشت، در حالی که بخش های بزرگی از جهان درگیر فقر شده و مهاجران می کوشند از بیچارگی خویش بگریزند. اینجاست که اسرائیل حاضر و آماده است. به گفته هالپر مکانی که اسرائیل ایده های خود را در آنجا ایجاد و مورد آزمایش قرار داده، مناطق اشغالی است.

از جمله، کنترل غزه، شمائی را به دست می دهد که می تواند برای سایر کشورها مورد استفاده قرار گیرد. از مراقبت داخلی گرفته تا امنیت مرزها، جنگ شهری، خطر مهاجران و بسیاری موارد دیگر.

فلسطینی ها از این دیدگاه منبع مهمی برای اسرائیل می باشند. بدون مناطق اشغالی، اسرائیل نظیر زلاند جنوبی می بود و میدل به هدف سفر برای توریست ها می شد و نه یک سلطه گر منطقه ئی.

حضور بر سر میز ناتو

صنایع جنگ افزار اسرائیل فقط در خدمت این نیست که با آن کسب درآمد نماید. این صنایع، مبنای حضور اسرائیل را بر سر میز کشورهای ناتو فراهم می سازد. اسرائیل در تمرینات نظامی ناتو شرکت داشته و در ناتو در تولید هواپیماهای بی سرنشین مراقب به اروپائیان کمک می نماید.

به گفته هالپر این کشور همچنین روابط نزدیکی با رژیم هائی دارد که ادعا می شود دشمن اسرائیل می باشند، مانند عربستان سعودی. سعودی ها به خلافت اسلامی یاری می رسانند. پس چگونه می توان اتحاد آنان را با اسرائیل درک نمود؟ مخرج مشترک این دو کشور در سیاست امنیتی است. هیچ دو کشوری وجود ندارد که در این زمینه علائق مشترک بیشتری داشته باشند.

به استدلال هالپر هنگامی که سعودی ها در ۲۰۰۲ فعالیت صلح اعراب را افشاء نمودند، در عوض آن خواهان این بودند اسرائیل به سیاست اشغال پایان دهد و حاضر شدند اسرائیل را به نمایندگی از جهان عرب به رسمیت بشناسند. آیا حاضر به خدمت بودن اسرائیل به لحاظ دیپلماتیک صرف می کند؟

علائمی برای مثبت بودن پاسخ این سؤال وجود دارند. به تازگی مجله اکونومیست اعلام نموده است که هندوستان که دارای گذشته موفقیت آمیزی در زمینه کمک به فلسطینیان می باشد، از جمله ۵ کشوری بود که از دادن رأی خود برای قطعنامه کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل در ماه گذشته خودداری نمودند که در آن به رفتار اسرائیل در حملات ۵۱ روزه اش به غزه در تابستان گذشته انتقاد شده بود که موجب کشته شدن ۵۰۰ کودک گشت.

مجله مزبور می افزاید نمایندگان اسرائیل بر این باورند که وابستگی جامعه بین الملل به تسلیحات اسرائیل موجب نقصان فعالیت های تحریمی آنان در دراز مدت می باشد.

هالپر به نیجریه نیز اشاره می کند که از جمله کشورهایائست که به تسلیحات اسرائیل وابسته بوده و حمایت سنتی خویش از فلسطینیان را رها ساخته است.

نیجریه به نجات اسرائیل شتافت و امریکا را در دسمبر گذشته از مخصه ای رهند، هنگامی که شورای امنیت سازمان ملل به یک قطعنامه فلسطینیان رأی گیری نمود که خواهان پایان دادن به اشغال بود. امریکا بیم داشت که می باید آن قطعنامه را وتو نماید.

هالپر تأکید می کند که امریکا به روشنی مهم ترین صادر کننده تسلیحات در جهان می باشد. اما اسرائیل در کوشش و رقابت بر سر مابقی بازار تسلیحات سعی دارد هدف اصلی صنایع جنگ افزار را توضیح دهد: نه امنیت، بلکه جلوگیری از جنگ.

هنگامی که شما آن را امنیت بنامید با این کار به گفت و گو پایان داده اید. زیرا کیست که خواهان امنیت نباشد؟ اما هنگامی که شما آن را از نو تعیین کرده و جلوگیری از جنگ بنامید، اهداف واقعی روشن تر می گردند.

به قلم جونتان کوک، برگرفته از تلاکسکالا، ۲۱ اگست ۲۰۱۵

<http://www.flaxcala-int.org/article.asp?reference=15985>

* جونتان کوک یکی از روزنامه نگاران مستقل انگلستان و نویسنده ایست متولد ۱۹۶۵ در باکینگهم شایر و ساکن ناصره. او تنها روزنامه نگار خارجی در آن شهر است. وی از ۲۰۰۱ در باره مسائل خاورمیانه مقاله می نویسد و از ۲۰۰۴ خبرگزاری ناصره را تأسیس نموده است.